

بصفتی مذکوره در آیه فقال لا یلهکم شیء و انکم ولو
ایست در کرمه رحمت الله و برکات علیکم اهل البیت و در احادیث
این مضمون خطاب نیز آمده است بدانکه عصمت اگر بمعنی محفوظ بودن از
کنایه است می باید که مخصوص بانبیاء علیهم الصلوٰة و السلام نباشد
بلکه چون جمله اولیا نیز بطور اهل سنت و جماعت محفوظ نظر
می باید که معصوم باشند پس این معنی محل نزاع میان اهل سنت و
شیعه نمیباشد و اگر عصمت بمعنی صفت است که آن از لوازم صفت
نبوت است پس یقین که از خواص بانبیاء علیهم الصلوٰة و السلام
خواهد بود و شیعه نمیخواهند این را انکار و پس می باید گفت که محل
نزاع اینست که بانبیاء علیهم الصلوٰة و السلام بطور اهل سنت و جماعت
استوار گنایان منزله اند هر چند صدو گناه از ایشان باعتبار امکان
ذاتی میتواند بود و ترتب ثواب بر اجتناب از گناهان باعتبار
امکان ذاتی صدو گناهان بعید نیست و این معنی بطور شیعه در اهل
بیت نیز موجود است بخلاف اهل سنت و جماعت و تفسیر عصمت
اجتناب از معاصی چنانچه از کلام بعضی مفسرین میگردد محل نزاع
میشود آنست که چون بعضی اولیا را که از استوار نظر است بعبادت
مشغولند و اجتناب از معاصی همیشه دارند و از ایما اهل بیت

ف

صوم باشند و این خلاف مذهب فریقین است
و چون نزو یک شیوه اصل بر خداست و واجبست بنیای آنست
در و در صحاب رضی الله عنهم بنابرین اصل در کتب است
مثل تفسیر و انجیل و توراتی ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الانجیل
و بیان حسن صانع ایشان میسر پیشینان و همچنین و جز نزول
درح ایشان در فرقان مجید قیاس باصلاح معنی طبعین و معنی
از سابق و از لاحق هر خواهد بود و ارباب این ایقده در
سوق خود چه قسم درست و هموار ساخته باشند و نیز عدل
در امتحالی میسر شیعه از اصول است و بنابرین گفته میشود
بر تقدیر که حق با ایشان باشد معتقد بزرگی صحابه رضی الله
عنهم را در روز قیامت محقق عدل جواب موقوف
که گویند قره ناک تا یک موجود نامی در هم فامنا به و از عدل و
عدالت الهی بعید است که این قسم که را عذاب کند و اگر حق
با اهل سنت و جماعت باشد و اصحاب رضی الله عنهم مستحق
واجبتر ام باشند حضرت را می باید که در فکر خود باشد و عزت
آنکه جمعی از شیعه منصفانند که بر کلام شیخ ابن عربی اعتقاد
اعتماد تمام دارند و بر قولنا شخص شیخ مذکور که کلام در حق